

محمود تفصلی  
(رایزن فرهنگی ایران و هند)

## دو تصویر از نادرشاه در موزه دژ سرخ دهلی

هر مسافر خارجی که به دهلی سفر کند اگر مختصر مجال و فرصتی داشته باشد از «دژ سرخ» که معروفترین بناهای تاریخی دهلی است دیدن میکند. خود هندیان این دژ را «لال قلعہ» مینامند. لال بمعنی «سرخ» است.

از آنجا که در بنای حصار عظیم قلعه و بسیاری از ساختمانهای آن سنگهای سرخی که در حدود دهلی فراوانست بکار رفته تمام قلعه به این نام معروف شده است.

دژ سرخ بوسیله شاهجهان ساخته شد و تا سال ۱۸۵۷ مسکن احفاد و اولاد او بود که آخرین پادشاهان سلسله مغولان هند (باگورکانیان هند) بودند.

در داخل این دژ ساختمانهای متعدد زیبا و مشهوریست که «دیوان عام» و «دیوان خاص» و «حمام» و «موتی مسجد» (مسجد مروارید) و ساختمانهای دیگری از آن جمله هستند.

برای مسافرایرانی دژ سرخ دهلی اهمیت و ارزش بیشتر دارد زیرا در آنجا علاوه بر نفوذ معماری ایران زمان صفوی نشانه های دیگری از تمدن ایرانی نیز بچشم میخورد. نوشته ها و اشعار فارسی که بر در و دیوار کاخها باقیست، نقوش و تصاویری که برای تزئین سقفها و ستونها بکار رفته است طرح باغها و گلکاریها که مناظر باغهای ایرانی را زنده میسازد همه برای ایرانی جالب است. به علاوه دژ سرخ دهلی بالشکر کشی نادرشاه به هند هم ارتباط پیدا میکند. زیرا نادر پس از شکست دادن نیروهای محمدشاه گورکانی در کرنال وقتی به دهلی آمد، مدتی در کاخهای همین دژ منزل داشت و هنوز هم جای خالی «تخت طاووس» که او همراه غنائم دیگر از هند آورد در روی یک تختگاه از سنگ سیاه یک پارچه باقیست. (تخت طاووس کنونی موجود در موزه کاخ گلستان که اصولاً تخت خورشید نام داشته و در زمان فتحعلی شاه قاجار ساخته شده آن تخت معروف هندی نیست.)

در باره نادرشاه و لشکر کشی او به هند سخن بسیار است. از آنجا که نادریکی از سرداران نامدار و با استعداد تاریخ است ناچار آنانکه از لشکر کشیهای اوسود یا زیان برده اند با دو دیده متفاوت به او مینگرند. بهمین قرار است که در تاریخ ایران از او بعنوان یک سردار بزرگ و فاتح نام آور و دلیر یاد میکنند و به او مباحات دارند. و هندیان خاطره های شوم هجوم و خونریزی و قتل عام او و ثروت هنگفتی را که از هند با خود برد بیاد می آورند و او را یک مهاجم خونریز و غارتگر می شمارند

مقاله تحقیقی بسیار خواندنی آقای باستانی پاریزی که در یکی از شماره های یکی دو سال گذشته مجله راهنمای کتاب بچاپ رسید جهات منفی خلق و خوی نادر و شخصیت او را نشان میدهد. در اینجا سخن بر سر نادر و خلق و خوی او یا قضاوت درباره کارهایش نیست، نادر هر چه بود به تاریخ تعلق گرفته است و یکی از شخصیت های تاریخی شده است و از این رو کشف اسناد و مطالب

و واقعیات مربوط به اوارزش تاریخی خواهد داشت. و به همین قرار پیدا کردن تصویر و صورت نادر نیز از نظر تاریخی با ارزش خواهد بود.

یکی از تصاویر قابل توجه که از نادرشاه تاکنون منتشر شده همانست که آقای لارنس لکه‌ارت در کتاب نادرشاه خود و بعد هم در کتاب دیگرشان نقل کرده‌اند و در کتاب انقراض سلسله صفویه ترجمه آقای مصطفی قلی عماد (چاپ تهران ۱۳۴۳) در مقابل صفحه ۳۸۸ نقل شده است.

اصل این تصویر ظاهراً در موزه آثار هندی در لندن (سادت کنسینگتن) مضبوط است.

در تصویر قلمی دیگر از نادرشاه نیز بنظر نگارنده رسیده است که میتواند با ارزش باشد و مخصوصاً یکی از آنها که بنظر میرسد معاصر و همزمان با حیات نادرشاه بوده است. پراهمیت تر خواهد بود. این تصاویرها در موزه دژ سرخ دهلی محفوظ هستند.

### شکل (۱)

یکی از ساختمانهای داخل دژ سرخ دهلی که «ممتاز محل» نام داشته و ظاهراً محل سکونت قسمتی از اندرون سلطنتی بوده است سالهاست که بصورت موزه ای درآمده است. بسیاری از یادگارها و آثار تاریخی دوران گورکانیان هند در آن نگاهداری میشود.

در میان اشیاء این موزه آثار ایرانی از خطوط و مرقدات و اسلحه و لباس و مینیاتور و فرش گرفته تا ظروف و سنگها و کتیبه‌های فارسی بسیار است.

در تصویر قلمی نادرشاه نیز در همین موزه است. یکی از آنها همراه با چند تصویر مینیاتور دیگر در جبهه شیشه داری در تالار قسمت شرقی موزه بنمایش گذاشته شده است و تصویر دوم در میان ذخایر محفوظ در انبارهای موزه نگاهداری می‌شود.

تصویر اولی (شکل ۱) یک قطعه نقاشی آب رنگ است که ۲۶ سانتیمتر درازا و ۱۹ سانتیمتر پهنا دارد.

در این تصویر نادرشاه در حالت دو زانو نشسته و به بالشی بزرگ تکیه داده است. در دست چپ سیب یا میوه دیگری را بلند کرده و دست راستش را که دستمالی را گرفته است بر روی زانو نهاده است. کلاهی به شکل مخصوص همراه با یک جقه و مزین به جواهر و مروارید بر سر دارد و اطراف صورتش هاله‌ئی مدور نقش شده است. جامه‌ئی زربفت و گلدان با رنگهای طلائی و سرخ و بنفش و مزین به رشته‌های مروارید جواهر نشان به تن دارد. در کنار زانوی راستش گلدانی جواهر نشان

روی زمین است .

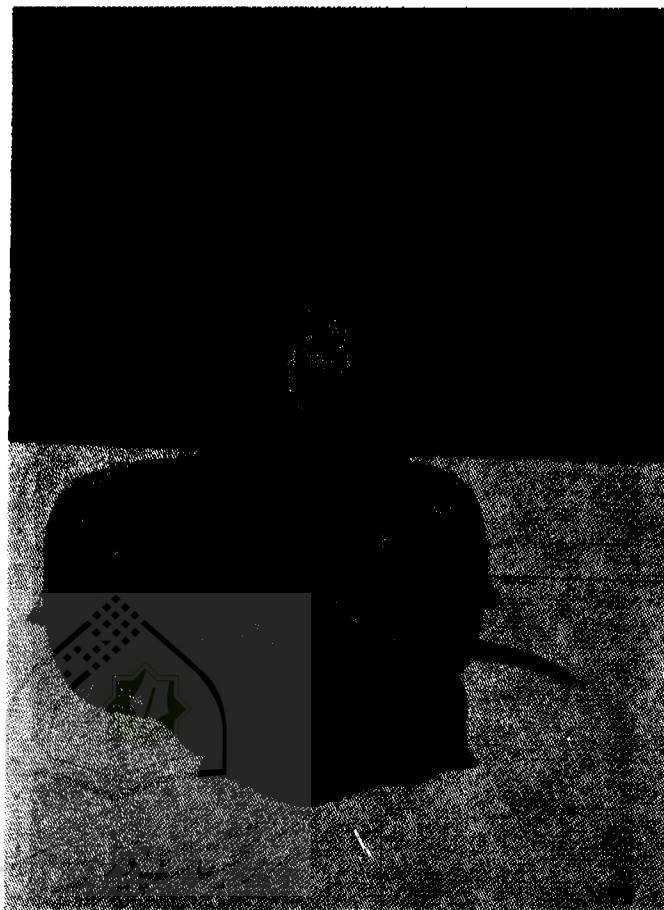
در سمت راست تابلو در قسمتی  
زیر بالش و بالای زانوی چپ نادرشاه  
عبارات زیر که بخط نستعلیق خوانائی  
نوشته شده است خوانده می شود :

«شاهنشاه جم جاه نادرشاه . بعمل  
خیر خواه محمد پناه .»

رقم ۱۱۵۵ هم که محتملاً تاریخ  
تصویر است در دو طرف دایره دل، بچشم  
میخورد باین ترتیب که (۱۱) در سمت  
چپ (J) و (۵۵) در سمت راست آن  
می باشد .

اگر این رقم و تاریخ درست باشد  
این تصویر در زمان حیات نادرشاه، یعنی  
شش سال پیش از مرگش و پنج سال پس  
از بازگشتش از هند کشیده شده است  
و از این رو اهمیت زیاد دارد .

این تصویر در دفاتر موزه فوق الذکر  
به شماره ردیف (۶۴۱) و شماره ثبت  
۴۰/۶۴۱ و شماره کاتالوک (۸/۱۵۸)  
۱۹۲۶/ مضبوط است .



شکل (۲)

تصویر دوم (شکل ۲) نیز یک قطعه نقاشی آب رنگ است که از تصویر اولی کوچکتر است.  
۱۸ سانتیمتر درازا و ۱۲ سانتیمتر پهنا دارد . در این تصویر هم نادرشاه به دو زانو نشسته و بر بالشی  
بزرگ تکیه داده است . در دو دستش شمشیری را بر روی زانوان خود نگاه داشته . لباسش که  
برنگ سرخ مایل به نارنجی است از لحاظ رنگ و نقش با تصویر اولی کمی تفاوت دارد . اما  
صورت و کلاهش به تصویر قبلی بی شباهت نیست .

پشت سرش در قسمت بالا زمینه‌ئی متمایل به آبی می باشد و در قسمت پائین تریک دیواره مرمر  
سفید است . در این تصویر هیچگونه نوشته یا تاریخ وجود ندارد .

این تصویر در دفاتر موزه با شماره ردیف (۶۳۱) و شماره ثبت ۴۰/۶۳۱ و شماره کاتالوک  
۱۹۲۶/۸/۷۹) مضبوط است .

این هر دو تصویر از یک مجموعه و کلکسیون خصوصی متعلق به شخصی بنام ایمره، شویگر  
(Imre Schwaiger) بدست آمده است و اطلاع بیشتری از سابقه آنها در دست نیست .

مقایسه این دو تصویر با تصویری که در موزه هندی لندن محفوظ است و در کتابهای آقای  
لارنس لکهارت انتشار یافته شباهت آنها را به یکدیگر نمایان میسازد و مجموع این سه تصویر  
می تواند برای نمایاندن چهره نادرشاه مفید واقع شود .

(نگارنده فیلمهای رنگین مثبت و منفی این دو تصویر را برای انجمن آثار ملی فرستاده است)

و امیدوار است که بتواند آنها را به اندازه اصل و با رنگهائی که در آنها وجود دارد منتشر نمایند.)



تصویر دیگری هم از نادرشاه همراه با مقالاتی درباره او اخیراً در یکی از روزنامه‌های دهلی چاپ و منتشر شده که امید است بتوانم بزودی اصل آنرا نیز ببینم و عکس و خصوصیات آنرا نیز برای استحضار محققان و دانشمندان چاپ و منتشر کنم .

تا آنجا که به نظر رسیده است این تصویر نیز که اصل آن هنوز در دهلیست بی‌شبهت به تصاویر سه گانه فوق‌الذکر نمیباشد و موقعی که عکس آن منتشر شود خواهد توانست به روشن شدن بیشتر چهره نادرشاه کمک کند .



محمد روائی

ترانه من

حدیث محفل دلدادگان ، فسانه من  
 بزیر چهره آرام خویش ، چون دریا  
 هزار کوب لوزنده رنگ می‌بازد  
 نبوده رسم وفا در زمین ماهرگز  
 نشد بعمر خود ای آشنا شبی بینم :  
 بهر کجا که جمال است و جلوه ، آیت تست  
 غم من است بزرگ و لطیف و انسانی



بیا که نام تو جاوید زندگی دارد درون قالب اشعار جاودانه من